



اصفہا فلسفے مکتبہ

نخستین ہمایش بین المللی

مجموعہ مقالات برگزیدہ

جلد اول

بسم الله الرحمن الرحيم

مکتب فلسفی اصفهان اصطلاحی مستحدث نزد پژوهشگران عرصه‌ی مطالعات سنت حکمی و عرفانی عالم اسلام است. حکیمان حوزه‌ی اصفهان به خوبی نشان دادند که استمرار واقعی این سنت و انتقال روح آن از عصر فارابی و ابن سینا به بعد، نه از مجرای چهره‌هایی مانند ابن‌رشد اندلسی، که از طریق حکمایی مانند میرداماد، مؤسس مکتب اصفهان میسور است؛ و این طریقی بود که پیشتر به همت حکیمان و عارفانی مانند شیخ اشراق، ابن عربی، خواجه طوسی، ابن‌ترکه اصفهانی، سید حیدر آملی، ابن‌ابی‌جمهور احسایی و اعظم حوزه‌ی شیراز هموار شده بود.

نشاط فکری، رونق حوزه‌های درسی، جامعیت، تلفیق مشارب گوناگون فکری در عین خلاقیت و نوآوری، جمع میان عقلانیت و معنویت، پاسخ‌گویی به پرسش‌های روز و مهم‌تر از همه عرضه‌ی آموزه‌هایی برآمده از روح و باور شیعی، رویداد بزرگی بود که حاصل آن به تعبیر برخی از محققان معاصر **حکمت معنوی تشیع** است. این شیوه‌ی نوین فکری، توجهی ویژه به متن قرآن کریم و روایات و ادعیه‌ی مأثوره از پیشوایان دین داشت که با بهره‌گیری از تأویل توانست خلاء موجود در حکمت اسلامی دوران پیش از خود را به خوبی جبران کند.

حوزه‌ی فلسفی اصفهان، سایر مشارب فلسفی قدما را نیز در بطن خود حفظ و بازسازی کرد و حتی با توانی بیش از قبل، ضامن تداوم آن‌ها شد. از باب نمونه، بیشترین حواشی و تعلیقات بر شفا‌ی شیخ‌الرئیس در همین دوران نگاشته شد؛ متون حکمت اشراق به نحو گسترده شرح و تدریس می‌شد، و عرفان ابن‌عربی نیز همچنان رواج و تداوم داشت. افزون بر این، حکیمان متأله این حوزه، این توفیق را نیز داشتند که مکتب اخلاقی-عرفانی تشیع را قوام بخشیده و به تربیت نفوس و ارتقای معنوی اهل سلوک همت گمارند.

گفتنی است اصطلاح **مکتب فلسفی اصفهان** به جریان خاصی از حکمای اصفهان اطلاق نمی‌شود. در درون این مکتب، افزون بر حوزه‌ی میرداماد و شاگردانش که به **حکمت یمانی** نیز شهرت یافت، **حکمت ایمانی** یعنی طریق خاص فکری و عملی شیخ بهایی، **حکمت تطبیقی** که بر مدار آرای حکمی میرفندرسکی استوار شد، **حکمت متعالیه** صدرایی و بالاخره **حکمت تنزیهی** مالرجبعلی تبریزی نیز جای می‌گیرند.

آنچه از مآثر حکیمان متأله آن عصر طلایی در دوران صفویه از سده یازدهم هجری به بعد بر جای مانده است، مجموعه‌ای گرانسنگ از معارف حکمی به شمار می‌رود که از حیث کمی و کیفی با هیچ دوره‌ای از ادوار و حوزه‌های از حوزه‌های فرهنگ کهن اسلامی ایران، پیش و پس از آن، قابل مقایسه نیست.

بر بخش بزرگی از این میراث عظیم فکری و معنوی، با گذشت سه- چهار سده، همچنان گرد غربت در کتابخانه‌های شخصی و عمومی نشسته است. آیا جای این پرسش نیست که حتی فهم صحیح حکمت صدرایی - که مشهورتر از سایر مشارب حکمی حوزه اصفهان است- جز با آگاهی بر فعالیت‌های فلسفی زمانه‌ی او و چالش‌های میان او با سایر مکاتب و جریان‌ها چگونه ممکن است؟ نیز چگونه می‌توان به طرح حکمت و فلسفه‌ای زنده، مؤثر و تحرک‌زا در ایران برای مواجهه با مقتضیات عالم معاصر، جز با اِشراف بر آثار و مآثر فلسفی آن عهد باشکوه، توفیق یافت؟

در چند دهه‌ی گذشته استادان و محققانی از جمله شادروان استاد سید جلال‌الدین آشتیانی به پیشنهاد اسلام‌شناس فقید فرانسوی هانری کرین در جهت معرفی آثار حکمای شیعی عصر صفوی به چاپ و انتشار نمونه‌هایی از متون حکمی و عرفانی حکمای اصفهان از میرداماد و میرفندرسکی تا بیدآبادی و نراقی در چهار مجلد مبادرت نمودند. چند سال پیش نیز در همایش بین‌المللی «از اصفهان تا قرطبه» پاره‌ای از متون حکمای اصفهان چاپ و منتشر شد. با وجود این، ثلث آثار حکمی به جای مانده از حکیمان اصفهان نیز هنوز چاپ نشده است؛ از این‌رو به نظر می‌رسید که بهانه‌ی گردهمایی بین‌المللی، می‌تواند زمینه‌ی مناسبی را برای اِیحای آثار این بزرگان فراهم آورد و برای نخستین‌بار به گونه‌ای مستقیم و با محوریت کتب و آثار حکیمان اصفهان عصر صفوی به نشر آن‌ها مبادرت نمود.

پس از اعلام فراخوان **همایش بین‌المللی مکتب فلسفی اصفهان** و آغاز به کار دبیرخانه و کمیته-ی علمی همایش، نخست دست به کاربرسی مقالات رسیده شدیم. این مقالات در سه سطح استادان، دانشجویان و همکاری استاد و دانشجو ارائه گردید که تمامی آن‌ها توسط داوران محترم ارزیابی و پس از تایید نهایی جهت چاپ و انتشار در مجموعه مقالات همایش آماده شد. فهرست مجموعه مقالات همایش بر اساس حروف الفبای نام خانوادگی نویسندگان تنظیم شد و نمایه‌ای نیز بر پایه‌ی حروف الفبای موضوعات مقالات در آخر مجموعه افزوده شد. از آن‌جا که حجم مقالات رسیده گنجایش بیش از یک مجله را داشت و از سوی دیگر در سه سطح مذکور ارائه شده بود، تصمیم گرفته شد که مقالات در سه مجلد چاپ و منتشر گردد. گفتنی است که چون شماری از مقالات دریافت شده از نظر داوران محترم دارای درجه‌ی علمی-پژوهشی بود، مقرر گردید که مقالات مذکور در مجله‌ی علمی پژوهشی تایخ فلسفه وابسته به بنیاد اسلامی حکمت صدرا نیز جداگانه چاپ شود که بدین‌وسیله از مسئولان آن مجله‌ی وزین به ویژه سردبیر محترم آن تشکر و قدردانی می‌شود. افزون بر کار بررسی مقالات رسیده، تصحیح و تحقیق آثاری از حکیمان این حوزه و نیز نگارش کتاب‌های جداگانه درباره‌ی فعالیت‌های فلسفی این دوره و معرفی حکمای اصفهان، در دستور کار دبیرخانه‌ی همایش قرار گرفت.

آن دسته از آثاری که امیدواریم برای این همایش انتشار یابند، از این قرارند:

شرح التائیه الکبریٰ صائن الدین علی ابن التکره اصفهانی، الشوارق ابوالحسن قاتنی کاشانی، الافق المبین میرداماد، رساله الايقاظات فی خلق الاعمال میرداماد، خطفات القدس میر سید احمد علوی، الکلمة الطیبة فیاض لاهیجی، شرح فارسی تهذیب المنطق فیاض لاهیجی، بیان الاسرار (در شرح مصباح الشریعه) شیخ حسین زاهدی، مجموعه رسائل فارسی ملا اسماعیل خاتون آبادی، شرح العرشیه ملا اسماعیل واحد العین، ساقی نامه‌ی ابوطالب فندرسکی، سیر تحول حوزه فلسفی اصفهان از ابن سینا تا ملاصدرا، مکتب فلسفی شیراز، مکتب فلسفی اصفهان، فرهنگ اصطلاحات کلامی فیاض لاهیجی، جریان های فکری حوزه علمیه اصفهان، دیدار با فیلسوفان سپاهان، مکتب فلسفی اصفهان از دیدگاه دانش پژوهان.

البته این گامی است نخست در معرفی میراث حکمی و معنوی تشیع؛ و از آن جا که انتشار این حجم از آثار به جای مانده، کار و برنامه‌ی موسعی را می‌طلبد، تصمیم بر این شد تا قلمرو منشورات نخستین همایش مکتب فلسفی اصفهان، به آثار حکمای عصر صفوی از میرداماد تا حکیم خواجه‌ی اختصاص یابد. این مجال که به لطف و عنایت حق و حسن توجه تنی چند از محققان و فضالی گرانقدر و شماری از نهادها و مراکز و مؤسسات دینی و پژوهشی فراهم شد، به مثابه‌ی آغاز راه و طلیعه‌ی عرصه‌ای است سرشار از ذخائر علمی و معنوی.

امید آن که بتوانیم با استعانت از توفیقات پروردگار حکیم و مساعدت‌های مسئولان فرهنگی کشور و کلیه‌ی علاقمندان به احیای حکمت اصیل شیعی، گام‌های بعدی و مؤثرتری را در خصوص احیای آثار سایر حکمای اصفهان برداریم.

گروه فلسفه‌ی دانشگاه اصفهان به عنوان برگزارکننده‌ی این همایش، با سپاس از الطاف ایزد بی‌همتا، از کلیه‌ی شخصیت‌های حقیقی و حقوقی، مسئولان اجرایی، اساتید و دانشجویانی که ما را در هر چه بهتر برگزار شدن همایش، امور اجرایی آن، چاپ و نشر آثار و سایر موارد یاری نمودند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نماید.

۱- اعضای شورای سیاست‌گذاری:

آقایان آیت الله حاج سید محمد خامنه‌ای، حجه الاسلام و المسلمین دکتر عبدالحسین خسروپناه، حجه الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسن مظاهری، دکتر محمد حسین رامشت، دکتر محمد بیدهدی،

دکتر حسین کلباسی، دکتر سید مرتضی سقائیان نژاد، دکتر مهدی جمالی نژاد، دکتر احمد علی فروغی، دکتر محمد فضیلتی، مهندس مصطفی بهبهانی، سردار کریم نصر اصفهانی، مهندس علی کلباسی.

۲- اعضای کمیته‌ی علمی (به ترتیب الفبا):

آقایان دکتر محمدعلی اژه‌ای، دکتر مهدی امامی جمعه، دکتر مرتضی حاج حسینی، دکتر مهدی دهباشی، دکتر علی ربانی، دکتر جعفر شانظری، دکتر مجید صادقی، دکتر محسن محمدی فشارکی، دکتر محمد مشکات، دکتر اصغر منتظر القائم، دکتر سید علی اصغر میرباقری فرد، دکتر حامد ناجی اصفهانی، حجه الاسلام و المسلمین حاج شیخ مجید هادی زاده.

۳- ریاست محترم مرکز مطالعات و پژوهش‌های شورای اسلامی شهر اصفهان جناب آقای مهندس بهبهانی که از حامیان اصلی برگزاری همایش بوده و چاپ سه جلد مجموعه مقالات همایش را نیز بر عهده گرفتند، صمیمانه تشکر می‌نمایم.

۴- دانشگاه‌هایی که در شهر اصفهان حق‌التحقیق صاحبان آثار و منشوراتی که به چاپ خواهد رسید را به عهده گرفته‌اند:

الف) دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان ب) دانشگاه پیام نور استان اصفهان. بدین‌وسیله از رؤسای محترم، معاونین پژوهشی و سایر مسئولان این دو دانشگاه قدردانی و تشکر می‌نمایم.

۵- جناب آقای سعید محمدی دبیر کمیته‌ی اجرایی و نیز دبیر مرکز مطالعات و پژوهش‌های شورای اسلامی شهر اصفهان.

۶- سرکار خانم فریده کوهرنگ بهشتی مسئول دبیرخانه‌ی همایش و نیز سایر دانشجویان گروه‌های فلسفه و الهیات (فلسفه و کلام اسلامی).

علی کرباسی زاده اصفهانی
دبیر علمی نخستین همایش
بین‌المللی مکتب فلسفی اصفهان

فهرست

دکتر زهرا اخوان صراف

تحلیل و بررسی دیدگاه مجلسی دوم درباره فلسفه و حکمت ۱۱

دکتر محمد حسن ادریسی

اهمیت شعر و شاعری در عصر صفویه ۳۹

دکتر فتحعلی اکبری

وحدت دین و فلسفه در حکمت متعالیه ۵۹

دکتر سید مهدی امامی جمعه

آفاق هرمنوتیکی حکمت متعالیه و رسالت اجتماعی، فرهنگی ملاصدرا ۶۹

دکتر فرزاد بالو/ دکترمهدی خبازی کناری

نگاهی تطبیقی به مشرق الانوار میرداماد و مخزن الاسرار نظامی ۸۷

دکتر اعظم رجالی

سیر عرفان در اصفهان از قرن دوازدهم تا عصر حاضر ۱۰۵

دکتر فروغ السادات رحیم پور

نمود بینش و منش شیخ بهایی و مجلسی (دوم) در رسایل اعتقادی ایشان ۱۲۹

دکتر محمود زراعت پیشه

نقد و بررسی تقسیم سه گانه حمل نزد میرداماد ۱۵۳

دکتر علی اکبر زمانی نژاد

درسهای اخلاقی و عرفانی آقا حسین خوانساری ۱۷۱

دکتر شهناز شایان‌فر

مختصات عرفان راستین نزد فیض کاشانی ۲۰۳

دکتر غلامحسین شریفی ولدانی

رشحه ای از سحاب (بررسی تأثیرپذیری سحاب اصفهانی از شعر عهد صفوی) ۲۱۵

دکتر عبدالله صلواتی

انواع انسانی نزد ملاصدرا و فیض کاشانی ۲۳۱

دکتر سید صدرالدین طاهری

اصول بنیادین نظریه ی ملاصدرا درباره ی معاد جسمانی از دیدگاه فلاسفه ی مکتب اصفهان ۲۴۳

حجه الاسلام و المسلمین احمد عابدینی نجف آبادی

بررسی حرکت، در جواهر مجرد ۲۶۳

دکتر سیداحمد عقیلی

سیرتاریخی مکتب فلسفی اصفهان از سقوط صفویه تا برآمدن قاجار ۱۱۳۵-۱۲۱۰ق ۲۷۷

دکتر غلامحسین عمادزاده

بررسی دیدگاه آقاحسین خوانساری به برخی از مبانی اصالت وجود صدرایی ۳۱۱

دکتر علیرضا فاضلی

روش شناسی سید قطب الدین نیریزی در مباحث عرفان نظری ۳۲۳

دکتر علی کرباسی زاده اصفهانی

نگاهی به احوال و اندیشه های علامه خاتون آبادی و معرفی رساله کشف الحیرت ۳۳۷

دکتر رضا ماحوزی

تبیین ساختار هستی‌شناختی اعیان؛ گفتگوی تطبیقی حکمای مکتب اصفهان و فیلسوفان معاصر ۳۵۵

دکتر محمد مشکات

فلسفه تکنولوژی بر مبنای صدرالمتألهین و از منظر هایدگر ۳۷۱

دکتر محمد مهدی مشکاتی

تحلیل دیدگاه حکیم خواجهی در باره معاد جسمانی ۳۹۹

دکتر امراله معین

تأثیر نگرش فلسفی کرین بر دیدگاه او در مورد اصفهان: مدینه ی تمثیلی ۴۱۵

دکتر حامد ناجی

گذری بر زندگی پیترو دل‌اواله ۴۳۱

دکتر سیما سادات نوربخش

ملاصدرا و مبحث عالم مثال در فلسفه سهروردی ۴۴۵

دکتر سید حسین واعظی

تحلیل و بررسی باب سوم از رساله زواهر الحکم (میرزا حسن لاهیجی) ۴۶۵

نمایه عنوان مقالات ۴۸۶

«درسهای اخلاقی و عرفانی آقا حسین خوانساری»

منهج السالکین یا اخلاق تلفیقی

علی اکبر زمانی نژاد^۱

چکیده:

چاپ و نشر منابع اخلاق در اسلام یکی از وظایف همایش بین‌المللی اخلاق و ادیان است. از آن جایی که امکان چاپ تمام منابع اخلاق در اسلام وجود ندارد، ولكن معرفی آثار و منابع اخلاق در اسلام در این همایش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، خصوصاً معرفی آثاری که تا کنون به زیور طبع آراسته نشده است و درآستانه نشر قرار دارد.

یکی از منابع اخلاق در اسلام، تقریرات دروس اخلاقی آقا حسین خوانساری (۱۰۱۶ق- ۱۰۹۸ق / ۱۰۹۹ق) است. ایشان بی‌نیاز از تعریف و تمجید هستند، چرا که او را استاد الكل فی الكل عند الكل و استاد البشر، ویا عقل حادی عشر نامیده‌اند.

درسهای اخلاقی ایشان توسط شاگردش تدوین شده و به نام منهج السالکین و وسیله نجاه الهالکین در سال ۱۳۹۱ش توسط مرکز احیای آثار اسلامی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در بیش از ۶۵۰ صفحه وزیری برای اولین بار تصحیح انتقادی و چاپ شده و به زودی به جامعه فرهنگی عرضه خواهد شد.

واژگان کلیدی: اخلاق در اسلام - اخلاق تلفیقی - منهج السالکین - آقا حسین خوانساری - تشیع و اخلاق - احیاء العلوم غزالی - محجۀ البیضاء .

مقدمه

در میان مسلمانان دانش اخلاق با رویکردهای متفاوتی رو به رو بوده است و آثار اخلاقی در چهار عنوان: ۱. اخلاق فلسفی، ۲. اخلاق عرفانی، ۳. اخلاق نقلی، ۴. اخلاق تلفیقی، می‌توان دسته بندی کرد.

الف) اخلاق فلسفی

در اخلاق فلسفی، چهار فضیلت: حکمت، عفت، شجاعت و عدالت، و هشت رذیلت افراطی و تفریطی مقابل آن‌ها، اصول و امهات فضایل و رذایل اند و از هر یک از آن‌ها فضایل و رذایل جزئی تری منشعب می‌گردد. و به عبارت دیگر این دوازده هیئت نفسانی اجناس عالی همه فروع فضایل و رذایل به شمار می‌روند که آثار تهذیب/الاخلاق ابن مسکویه، و اخلاق ناصری خواجه نصیر الدین و *لوامع الاشراف* محقق دوانی از این مکتب اخلاق فلسفی معرفی شده‌اند.

ب) اخلاق عرفانی

از عرفان و تصوف تعاریف زیادی ارائه شده کما اینکه بین معنای عرفان و تصوف تمایزهایی ذکر می‌شود. عرفا و صوفیه از قرن دوم تا قرن نهم مرحله‌ای را طی کردند و از اواخر سده نهم به بعد جریان عرفان و تصوف دست خوش تغییراتی گشت و وارد مرحله جدیدی شد.

آراء و اندیشه‌های عرفان عملی به دو دوره پیش از تدوین که عبارتند از دوره تأسیس و تعلیم و دوره تبلیغ و ترویج، و سه دوره پس از تدوین که عبارتند از دوره تصنیف و ترتیب و دوره تنقیح و تکمیل و دوره تحلیل و تفسیر دسته بندی شده است.

با فرا رسیدن سده پنجم هجری، علم تصوف به دست دو تن از برجسته‌ترین چهره‌های عرفا یعنی خواجه عبدالله انصاری و ابو حامد غزالی به اوج نظم و اتقان خود رسید. اولی در کتاب *منازل السائرين* به بسط و پالایش توضیحات عرفای سابق همت گماشت، و غزالی کوشید تا با آثار خود به اثبات رساند که تنها راه دست یابی به معارف حقه شریعت، راه تصفیه باطن است و تلاش بسیاری به کار برد تا شریعت و طریقت را منطبق بر یکدیگر سازد.

هدف این مکتب اخلاق عرفانی، تربیت انسان کامل است که عصاره خلقت و جامع جمیع نشأت وجود و غایت آفرینش ماسواست.

گفتنی است که با وجود جایگاه بی‌بدیل غزالی در توجیه شرعی آموزه‌های متصوفه و گزاره‌های عرفانی و پی‌ریزی بنیان دینی برای آیین تصوف، آثار وی را نمیتوان از زمره تراث ناب صوفیه باز شمرد، و از آن جا که وی در عین دلدادگی به تصوف، فقیه، اصولی، متکلم و مفسری سرآمد نیز بوده، آثار وی رنگ و بوی تلفیق عرفان و قرآن و برهان به خود گرفته است. از این رو آثار اخلاقی غزالی در زمره آثار مکتب تلفیق (: فلسفی، عرفانی و نقلی) شمرده می‌شود، که بعداً به تفصیل درباره آن سخن خواهیم گفت.

ج) اخلاق نقلی

تالیفات و رساله‌های که عهده دار جمع‌آوری روایات اخلاقی هستند و نهایتاً روایات را دسته‌بندی کرده باشند، مانند کتاب *مشکاة الأنوار طبری*، و *غرر الحکم آمدی*، *الزهد حسین بن سعید اهوازی* و *مصادقه الإخوان شیخ صدوق* در میان آثار شیعه، و کتاب‌ها و رساله‌های *شعب الإیمان بیهقی* و *الأدب المفرد بخاری*، *الزهد عبدالله بن مبارک* و *رسائل ابن ابی الدنیا* در اهل سنت، برجسته‌ترین نمونه‌های اخلاق نقلی به حساب می‌آید.

از ویژگی‌های اخلاق نقلی، گستره موضوعات و عناوین اخلاقی در اخلاق خانواده و اجتماع، در مقایسه با کتاب‌های مکتب عرفانی، و در اخلاق بندگی و اجتماعی در مقایسه با کتاب‌های مکتب فلسفی، موضوعات و عناوین بیشتری را پوشش داده‌اند، کما این که از نظر جذابیت بیان و ادبیات برای عده‌ای از متشرعه به لحاظ گرایش‌های معرفت‌شناسی، بیشترین جذابیت و تأثیر را دارند.

د) اخلاق تلفیقی

برخی از مؤلفان اخلاق اسلامی از ظرفیت‌های ممتاز هر سه مکتب فلسفی، عرفانی و نقلی در آثار خود بهره‌گرفته‌اند و ترکیب و تلفیقی از قابلیت‌های آن سه مکتب، مکتب اخلاق تلفیقی به وجود آورده‌اند. و مهم‌ترین ویژگی که باعث شده از عنوان تلفیق یاد شود، تلفیق در روش استناد و نیز روش ارائه آموزه‌هاست. چرا که عالمان اخلاق اختلاف مشخصی میان پیام قرآن و عرفان و برهان نمی‌دیدند، بلکه رهاورد عقل و وحی و شهود را از ابتدا سازگار و یک سان تلقی می‌کردند. از این رو کوشیده‌اند تا آموزه‌های وحیانی، گزاره‌های فلسفی و معارف عرفانی را به مدد یک دیگر فراخوانند و دستگاه اخلاقی جامعی ارائه دهند.

بنا بر این عنوان تلفیقی، طیف متنوعی از آثار اخلاقی را شامل می‌شود که پاره‌ای مانند *جامع السعادات* را به رویکرد فلسفی، بعضی *احیاء العلوم* را به رویکرد عرفانی، و برخی مانند *الدریعه* راغب اصفهانی را به اخلاق نقلی نزدیک‌تر می‌دانند.

شایسته است که دو مرتبه حد اقل و حد اکثری از تلفیق را در مقایسه با دیگر مکاتب معرفی شود:

۱. جمع نقاط قوت مکاتب فلسفی و عرفانی موجود، به همراه داده‌های نقلی است.
۲. از آن جا که هر تفکر عقلانی به معنای تفکر فلسفی نیست، یک نوع تلفیق کم مؤونه و حداقلی تصور می‌شود، یعنی جمع کردن تحلیل‌های عقلی و داده‌های نقلی، فرد از سویی ارزش معرفتی وحی و ضرورت استناد و تعبد به آن را می‌پذیرد و از سوی دیگر بر پایه عقل مأل اندیش بسیطی که به لحاظ فلسفی تعیین نایافته است به تحلیل داده‌های نقلی می‌نشیند و خروجی آن را با معلومات حاصل از انسان‌شناسی، جهان‌شناسی و جامعه‌شناسی خود پیوند می‌دهد.

در پایان این بخش این نکته ضروری است که آثار اخلاقی موجود در هر چهار مکتب فلسفی، عرفانی، نقلی و تلفیقی دارای کاستی‌هایی نیز می‌باشند که به تفصیل در جای خودش بحث شده است.^۱

کتاب منهج السالکین

کتاب منهج السالکین از جهت گستردگی موضوعات اخلاق فردی و اجتماعی از جامع‌ترین کتاب‌ها در موضوع خود است. مؤلف در مقدمه کتاب حقیقت‌درویشی را در متابعت از شریعت قلمداد کرده و تصریح می‌کند که بعد از سلمان و ابوذر و مقداد و عمار و سعید و میثم و سایر اصحاب علی بن ابی طالب (ع) و ائمه طاهرین (علیهم السلام) طریق و سلوک اشخاص و خوشه چینی از خرمن حقیقت و رایحه فیض و... به مشام کسی نمی‌رسد مگر این که متابعت شریعت کند. و از آن جایی که بیان احکام شریعت بسیار زیاد است و این کتاب گنجایش آن را نداشته از قسم اول بحث خودداری کرده و وارد بحث دوم شده که سلوک طریقت است. و قسم سوم کتاب نیز که طلب حقیقت است بازگو نشده است.

۱ - برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به کتاب *شناخت اخلاقی اسلامی*، جمعی از نویسندگان پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

مؤلف در مقدمه می‌نویسد:

«بدان که حقیقت درویشی، سه چیز است، اول: متابعت شریعت، دوم: سلوک طریقت، سوم: طلب حقیقت».

که مؤلف تنها به قسم سوم که سلوک طریقت است پرداخته است، و این قسم شامل یک مقدمه و هفت باب بدین شرح:

باب اول: در مراتب سلوک؛ باب دوم: در صفات سالک؛

باب سوم: در مذمت دنیا و اهل آن؛ باب چهارم: در فضل علم و وجوب آن؛

باب پنجم: در وجوب کسب و فضل آن؛ باب ششم: در احوال انسان؛

باب هفتم: در اسرار عبادات که مفصل‌ترین بخش این کتاب را شامل می‌شود.

مؤلف در این کتاب که از سرتاسر آن مشهود است پیرو مکتب اخلاق عرفانی است همراه با مکتب اخلاق نقلی است، در واقع مسلک این کتاب مشتمل بر ترکیبی از ویژگی‌های مکاتب مختلف است. چرا که مؤلف در مقدمه تصریح می‌کند:

«فهده أسرار خفیة وحقایق مخفیة حقیقها لی المولوی الأعظم والحبر المعظم، قدوة العلماء الراسخین، وأسوة الحكماء العالمین، أستاذ الكلّ فی الكلّ، آقا حسین خوانساری - أدام الله فضله العالی ما تعاقبت الأيام واللیالی - قد أوضح فی بیانها وبالغ فی تحقیقها. و زدت فیها ما یناسبها من الآیات والأحادیث وكلام المحققین نظماً ونثراً».

مؤلف یکی از شاگردان محقق آقا حسین خوانساری (متوفای ۱۰۹۹ ق / ۱۰۹۸ ق) است که ما بین سال‌های ۱۰۵۰ ق تا ۱۱۰۰ ق توسط آقا حسین خوانساری تقریر شده و توسط یکی از شاگردانش تدوین شده است.

ابواب و فصول این کتاب بدین شرح است که فهرستواره به اهمّ مباحث آن اشاره می‌کنیم: الباب الاول فی مراتب السلوک.

الباب الثانی فی صفات السالک: در این باب چهار صفت سالک را بدین نحو شرح می‌دهد:

۱. الشکر والصبر (الصبر علی المصائب، الصبر علی العبادات، الصبر علی المعاصی)

۲. الرضی (الرضی بما أنعمه الله تعالی من الأموال، الرضی بحکم الله تعالی علیه من

الأحكام وغيرها، الرضی لكلّ ما یتوارد علیه من المصائب والبلا)

۳. التسلیم مراتبه کمراتب الرضی، والفرق بینهما أن فی الأوّل (الرضی) یری العبد نفسه

شخصاً موجوداً مستقلاً بالإرادة یصبر و یتوکل و یرضی باختیاره. وفی الثانی (التسلیم) لا یری نفسه موجوداً مستقلاً بل یصیر محوّاً لا یرضی له أثر ولا إرادة ولا اختیار.

۴. الفنا و مرتبته بعد التسليم، إن العارف لمّا سلب عن إرادته و سلم نفسه إلى الحق يذهل عن أنا نيّته فيصير فانياً في حدّ ذاته و باقياً ببقاء الحق، وذلك هو البقاء الأبدي و على مراتب السلوك، فلم يبلغ إليها إلاّ النبي و أوصيائه صلوات الله عليهم اجمعين.

الباب الثالث في مذمّة الدنيا وأهلها.

الباب الرابع في فضل العلم ووجوبه.

در خصوص فضل و وجوب علم بر سالک می‌نویسد: «اعلم ان طلب العلم واجب بالعقل والنقل سيّما على السالك».

بعد از ذکر آیات و روایات بر فضیلت علم می‌نویسد:

فيعلم بالبدیهة أنّ فضل الرجل على أقرانه كان بالعلوم والمعارف الحقّة وصفات النفس لا باللباس الفاخرة والبناء العالیة وجمع الذهب والفضة كما يفهم أبناء زماننا. بل أكثر الخلق في كلّ الأزمنة، ولذلك يرجّحون قارون على موسى - على نبينا و عليه السلام - وكذا اختاروا معاوية على علي (عليه السلام) وهكذا في عصر بعد عصر.

الباب الخامس في وجوب الكسب وفضله.

و دربارہ وجوب فضل کسب می‌نویسد:

فطلب الرزق وتحصيله واجب سيما على السالك، لما مرّ في صدر الكتاب إن الإنسان يجب أن يرتكب جملة وبالذات إلى تکمیل النفس في قوتها العمليّة و تزكيتها باجتنب الرذائل واقتناء الفضائل واكتساب المعارف و قهر القوتين الشهويّة والغضبيّة و تصفيتهما عن التكدّرات الإنسيّة حتى يحصل له الترقّي إلى عالم القدس والخروج عن ظلمات الوهم كما خلق لذلك، وتارة بتكمیل البدن مقصوداً بالعرض و يربّيه بقليل من الأكل والشرب وأمثالهما كقليل من الإستراحة والنوم ممّا يبقى به البدن وذلك لغرض أن النفس تقدر على الأعمال بتوسطه لأنّه ألّه لها في تلك الدار، و به تحصل العبادات والنزقيّات، فلا بدّ أن يتغذى من الحلال حتى لا ينتج العكس؛ لأنّ أكل الحرام يميت القلب ويبعث الشوق إلى الفساد والمعاصي فيفسد أمر الأكل ولو لم يعرف أنّه حرام.

سئل عارف: انّ أكل الحرام لو لم يعلم أنّه حرام مضرّ أم لا؟ قال: أكل السمّ لما يضرّ الأكل

ما لم يعلم أنّه سمّ؟

الباب السادس بيانات من أحوال الإنسان.

قال في تحقيقه [كون الإنسان عالم الأصغر - بل الأكبر - يشعر به كلام امير المؤمنين (عليه السلام)] بعض العارفين: لمّا كان الغرض الأصلي من خلق الإنسان معرفة الصانع كما

قال سبحانه «وما خلقت الجنّ والإنس إلاّ ليعبدون» أى ليعرفون، و حصر الخلق لذلك كما يدلّ عليه كلمة «ما» و «إلاّ».

تحقيق وهداية.

مروى عن الشيخ المحقق نجم الدين الكبرى قدّس الله سرّه ، قال: الشريعة كالسفينه، والطريقه كالبحر، والحقيقه كالدرّ. ومن أراد الدرّ ركب فى السفينه ثمّ شرع فى البحر، ثمّ وصل إلى الدرّ. فمن ترك الترتيب لم يصل إلى الدرّ. فأولّ شىء وجب على الطالب هو الشريعه. زياده تبصره.

منقول عن الشيخ المذكور: الطريق إلى الله تعالى بعدد أنفاس الخلائق، ولكنّ الذى نشرع فى شرحه أقرب الطرق إلى الله تعالى وأرشدّها، وذلك لأنّ الطرق مع كثرة عددها محصورة فى ثلاثه أنواع:

أحدها: طرق أبواب المعاملات، بكثرة الصوم والصلاه وتلاوة القرآن والحجّ والجهاد وغيرها من الأعمال الظاهره، وهو طريق الأخيار، فالواصلون بهذا الطريق فى الزمان الطويل أقلّ من القليل.

وثانيها: طرق أصحاب المجاهدات والرياضات فى تبديل الأخلاق وتزكيه النفس وتصفيه القلب وتخليه الروح والسعى فيما يتعلّق بعماره الباطن. وهو طريق الأبرار، فالواصلون بهذا الطريق أكثر من ذلك الفريق، ولكنّ حصول ذلك من النوادر.

وثالثها: طريق السائرين إلى الله والطائرين بالله، وهو طريق الشطّار من أهل المحبّه السالكين بالجذبّه، فالواصلون منهم فى البدايات أكثر من غيرهم فى النهايات. هذا الطريق المختار مبنى على الموت بالإرادة.

قال (عليه السلام): «موتوا قبل أن تموتوا» وهى محصوره فى عشره أصول: أولها: التوبه، وثانيها: الزهد فى الدنيا، وثالثها: التوكّل على الله، ورابعها: القناعه، وخامسها: العزله، وسادسها: ملازمه الذكر، وسابعها: التوجّه إلى الله بالكلّيّه، وثامنها: الصبر، وتاسعها: المراقبه، وعاشرها: الرضاء.

ارشاد: فى معرفه أحوال الأبدال، منقول عن بعض المشايخ... لماذا يصير الأبدال أبدالاً، فقال بالأربعه التى ذكرها أبو طالب [المكّى] فى القوت [قوت القلوب: ج ١، ص ٢٠٠ - ٢٠٥]: الصمت والعزله والجوع والسهر.

فصل فى الصمت: صمت باللسان عن الحديث بغير الله تعالى جمله واحده، وصمت بالقلب عن خاطر يخطر له فى النفس فى كون من الأكوان البتّه...

فصل فی العزلة: العزلة سبب لصمت اللسان، فمن اعتزل عن الناس لم يجد من يحادثه فأذاه ذلك الصمت باللسان والعزلة على قسمين: عزلة المؤيدين، وهي بالأحكام عن مخالطة الأعيان، وعزلة المحققين، وهي بالقلب عن الأكوان.

فصل فی الجوع: الجوع جوعان، جوع اختياري، وهو جوع السالكين، وجوع الاضطراري، وهو جوع المحققين.

فصل فی السهر: السهر نتيجة الجوع، فإن المعدة إذا لم يكن فيها طعام ذهب النوم. السهر سهران، سهر القلب وسهر العين، فسهر القلب انتباهه من نومات الغفلات طلباً للمشاهدات وسهر العين في بقاء القلب لطلب المساهرة، فإن العين إذا نامت بطل عمل القلب. تبين، من أحوال الإنسان في قوسى النزولى والعروجى.

تنبيه: فيجب على الإنسان أن ينظر في أحواله وأصل خلقته، بكورا وعشاءً، بل أنا فأناً، ويذكر كونه نطفة قدره هي أحسن الجمادات، كما قال الله سبحانه: «فليُنظر الإنسان ممّ خلق»، ثم يلاحظ أطفاف ربّه له وتربيته إيّاه وتصويره في أحسن الصور. كما قال سبحانه: «ولقد كرّمنا بنى آدم» أى بحسن الصورة والمزاج الأعدل واعتدال القامة والتمييز بالعقل والإفهام بالنطق والإشارة والخط والتهدى إلى أسباب المعاش والمعاد والتسلط على ما فى الأرض والتمكّن من الصناعات وانسحاق الأسباب والمسببات العلوية والسفلية إلى ما يعود عليهم بالمنافع إلى غير ذلك ممّا يقف الحصر دون إحصائه.

أيقاظ: اعلم أنّ الله سبحانه جعل ذوات الإدراك من المخلوقات ثلاثة أقسام: قسم كان ذوات الإدراكات الجزئية من الأمور المحسوسة ولا يفهم دون المحسوسات... وهو البهائم والسباع.

وقسم كان ذوات الإدراكات الكلية وتعقّلات الأمور الغائبة عن الحواس... لأنّهم نور محض، وهم العقول.

وقسم كان له حظ من القسمين فكلان له ميل إلى الجانبين، أحدهما لتكميل جوهره والآخر لتكميل آتته، وهو الإنسان فكان متردداً إلى الطرفين، تميل النفس تارةً إلى المبدأ... وتميل القوى تارةً إلى تحصيل مدرّكاتها...

تذكير: اعلم أنّ السلوك إنّها يتم بأربعة أمور، هي أركانه وأساسه ويحصل بها قوامه، اثنان منها الحبلان الوثيقان يكونان آله للإمساك، والآخران الجناحان القويّان للطيران فالأولان يمسكان صاحبهما عن السقوط، والآخران معينان له على الصعود. أمّا الحبلان اللذان يحفظ بهما عن التردى والهبوط، هما العقل المطبوع والعقل المسموع.

وأما الجناحان اللذان يطير بهما إلى حظيرة القدس، هما: الزهد والعبادة.
تفريق بين أفراد الإنسان باعتبار السعادة والشقاوة
نكتة: الإنسان باعتبار علمه بسوانح الأيام وما سيوجد من الحوادث... ينقسم إلى ثلاثة أقسام:

قسم كالعوام لا يفرقون بين المنافع والمضار... وقسم كأوسط الناس يدركون بعض الأمور
ويطلعون على بعض الوسائط من أسباب الكائنات وتأثيرات العلويات في السفليات... وقسم
كالعارفين يطلعون على ذلك مع علمهم بالمبدأ والمعاد.

الباب السابع في أسرار العبادات

وفيه مقاصد: المقصد الأول في ذكر أسرار الطهارة؛ المقصد الثاني في ذكر أسرار الصلاة
والشروط الباطنة من أعمال القلب؛ المقصد الثالث في ذكر أسرار الزكاة وبيان دقائق الآداب
الباطنة فيها؛ المقصد الرابع في أسرار الصوم وشروطه الباطنة؛ المقصد الخامس في ذكر أسرار
الحج وبيان الأعمال الباطنة ووجه الإخلاص في النيّة من أول مناسكه إلى آخره.

الباب الثامن في آداب الكلام

السالك لا بدّ أن يتوجّه بقلبه إلى ربّه توجّه عبدٍ أبقٍ إلى مولاه ويتضرّع عنده تضرّع مجرم
عاصٍ عند منتقمٍ قهّارٍ يريد أن ينتقم منه.
ولمّا كان للدعاء طريق وآداب لا يفيد دونها، فلنذكرها في تلك الرسالة وهي عشرة على ما
ذكرها الفيض رُوح الله روحه العزيزة في المحجّة عن حجّة الإسلام أبي حامد، مع بعض
الأخبار التي ذكر عليها من طريق العامّة وبعض ما ورد عليها من طريق الخاصّة.

من آداب الدعاء

من آداب الدعاء عشرة أخرى:

١. تسمية الحاجة؛

٢. التعميم في الدعاء؛

٣. الاجتماع في الدعاء؛

٤. البكاء حالة الدعاء؛

٥. الاعتراف بالذنب؛

۶ الإقبال بالقلب؛

۷. التقدّم في الدعا قبل الحاجة إليه؛

۸. الدعا للإخوان والتماسه منهم؛

۹. أن لا يعتمد في حوائجه على غير الله سبحانه؛

۱۰. ما روى عن الصادق عليه السلام قال: إحتفظ أدب الدعاء وانظر من تدعو وكيف تدعو ولماذا تدعو، وحقق عظمه الله وكبريائه، وعاین بقلبك علمه بما في ضميرك واطلاعه على سرّك وما كمن فيه من الحقّ والباطل.

الباب التاسع في ذكر بعض المهلكات

وفيه مطالب: المطلب الأول في بيان معنى القلب وشرح بعض عجائبه

بيان طريق الرياضة وكسر شهوة البطن

اعلم أنّ على المرید في مأكوله وبطنه أربع وظائف:

الوظيفة الأولى: أن لا يأكل إلاّ حلالاً، فالعبادة مع أكل الحرام كالبناء على أمواج البحر.

الوظيفة الثانية: في تقليل الطعام فسيبيل الرياضة فيه التدرّج، فمن اعتاد الأكل الكثير وانتقل دفعةً إلى الأكل القليل لم يحتمله مزاجه وضعف وعظمت مشقّته، فينبغي أن يتدرّج فيه قليلاً قليلاً.

الوظيفة الثالثة: في وقت الأكل ومقدار تأخيره، وفيه أيضاً درجات.

الوظيفة الرابعة: في نوع الطعام وترك الأدام، وأعلى الطعام مخّ البرّ، فان نُخِل فهو غاية الترفه وأوسطه شعير منخول وأدناه شعير لم ينخل.

القول في عدّ آفات اللسان.

وهي عشرون:

الأول: الكلام فيما يعينيك؛

الثانية: فضول الكلام؛

الثالثة: الخوض في الباطل؛

الرابعة: المرء والمجادلة؛

الخامسة: الخصومة؛

السادسة: التقرّر في الكلام؛

السابعة: الفحش والسبّ وبذاءة اللسان؛

الثامنة: اللعن؛

التاسعة: الغناء والشعر؛

العاشر: المزاح؛

الحادية عشر: السخرية والاستهزاء؛

الثانية عشر: إفشاء السر؛

الثالثة عشر: الوعد الكاذب؛

الرابعة عشر: الكذب في القول واليمين؛

الخامسة عشر: الغيبة؛

السادسة عشر: النميمه؛

السابعة عشر: كلام ذي اللسانين؛

الثامنة عشر: المدح؛

التاسعة عشر: الغفلة عن دقائق الخطأ في فحوى الكلام؛

العشرون: سؤال العوام عن صفات الله وعن كلامه.

وایان بخش کتاب باب دهم کتاب در ذکر مناجاة العارفين است، که مؤلف پانزده مناجات

از مناجات پانزده گانه صحیفه سجادیه را بدین شرح ختامه مسک قرار داده است:

۱. مناجاة التائبين (برای روز جمعه)؛

۲. مناجاة الشاكين (برای روز شنبه)؛

۳. مناجاة الخائفين (برای روز یکشنبه)؛

۴. مناجاة الراجين (برای روز دوشنبه)؛

۵. مناجاة الراغبين (برای روز سه شنبه)؛

۶. مناجاة الشاکرين (برای روز چهارشنبه)؛

۷. مناجاة المطيعين (برای روز پنج شنبه)؛

۸. مناجاة المریدين (برای روز جمعه)؛

۹. مناجاة المحبين (برای روز شنبه)؛

۱۰. مناجاة المتوسلين (برای روز یکشنبه)؛

۱۱. مناجاة المفتقرين (برای روز دوشنبه)؛

۱۲. مناجاة العارفين (برای روز سه شنبه)؛

۱۳. مناجاة الذاكرين (برای روز چهارشنبه)؛

۱۴. مناجاة المعتصمين (برای روز پنج شنبه)؛

۱۵. مناجاة الزاهدين (برای روز جمعه).

عمده مستندات کتاب *منهج السالكين* برگرفته و تلخیص از دو کتاب *احیاء علوم الدین* و *المحجۀ البيضاء* می‌باشد، لذا مناسب است در اینجا مختصری این دو کتاب و مؤلفان آن معرفی شوند.

الف) حجة الاسلام ابو حامد غزالی و کتاب احیاء علوم الدین

ابو حامد محمد بن محمد غزالی ملقب به حجة الاسلام زین الدین طوسی از بزرگان فقه‌های شافعی در سال ۴۵۰ ق / ۴۵۱ ق در طوس متولد شد. سپس به نیشابور رفت و از امام الحرمین ابوالمعالی جوینی بهره گرفت و پس از مدت زمان اندکی شهرت یافت و به تالیف کتاب پرداخت. در ۳۴ سالگی به پیشنهاد نظام الملک تدریس در مدرسه نظامیه بغداد را آغاز کرد و موجب شگفتی علمای بغداد شد. در سال ۴۸۸ ق بر اثر تحول روحی که در او پدید آمد، آهنگ سفر حج کرد و پس از زیارت خانه خدا مدتی در جامع دمشق به تدریس پرداخت و از آن جا به بیت المقدس رفت و نیز غزالی مدتی در اسکندریه مصر اقامت داشته است. و لکن در نهایت به وطن اصلیش طوس بازگشت و پس از مدتی که اشتغال به تدریس و مناظره داشت، آن‌ها را رها کرد و راه زهد و عزلت برگزید. وی در سال ۵۰۵ ق در زادگاهش قصبه طائران طوس درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد.^۱

کتاب *احیاء العلوم* از آثاری است که غزالی پس از تحول روحی خود و قبل از بازگشت به وطن نگاشته است، به جهت شهرت و استفاده عالمان و احياناً تدریس این کتاب، نسخه‌های خطی فراوانی از کتاب *احیاء العلوم* در کتابخانه‌های دنیا موجود است که در فهرس نسخه‌های خطی کتابخانه معرفی شده است.^۲

این کتاب بارها در قاهره و استانبول و تهران و بیروت به چاپ رسیده و ده بار نیز افسس شده است و رایج‌ترین چاپ آن در پنج مجلد است.

^۱ - رک: طبقات الشافیه سبکی و وفیات الاعیان، ج ۴، ص ۲۱۶؛ سیر اعلام النبلاء ذهبی، ج ۱۹، ص ۳۲۲.

^۲ - عبدالرحمن بدوی، در کتاب مؤلفات الغزالی، ص ۹۸ - ۱۱۲ بیش از صد نسخه خطی از این کتاب را معرفی کرده است.

اهمیت فوق‌العاده *احیاء العلوم* موجب شد که این کتاب از بدو تالیف در معرض اظهار نظرهای مختلف علما قرار گیرد و آثار فراوانی از شرح و رد و دفاع و تلخیص و ترجمه پیروان آن کتاب پدید آید.

با فرا رسیدن سده پنجم هجری علم تصوف و دانش سلوک به دست خواجه عبد‌الله انصاری و ابو حامد غزالی به اوج نظم و اتقان خود رسید. و غزالی با آثار متعدد خود مدلل ساخت که تنها راه دست‌یابی به معارف حقه شریعت و علوم دینی، راه تصفیه باطن که همان روش عرفاست، و سایر مشرب‌ها در دست‌یابی به معرفت ناب دینی ناموفق بوده‌اند. غزالی تلاش بسیاری به کار بست تا شریعت و طریقت را منطبق بر یک دیگر بنماید. او پاره‌ای از معارف اخلاقی صوفیه را با عنوان مهملکات و منجیات در دو کتاب *احیاء العلوم* و *کیمیای سعادت*، بسط شایان توجهی داد.

با اوصافی که ذکر شد مکتب غزالی، مکتب اخلاق عرفانی شمرده می‌شود، ولیکن به جهت توجیه‌های شرعی آموزه‌های متصوفه و عرفا، آثار او بوی تلفیق عرفان و قرآن و برهان دارد. یعنی در عین دلدادگی به تصوف، غزالی فقیه و متکلم و مفسری سرآمد نیز بوده است. لذا آثار غزالی جزء مکتب تلفیقی به حساب می‌آید. و در عین حال او مکتب اخلاق عرفانی را هم تنقیح و تکمیل نموده است.

محدث فیض کاشانی در مقدمه *المحجّة البيضاء* در اوصاف *احیاء العلوم* می‌نویسد:

«کتاب *احیاء علوم الدین* که از نوشته‌های ابو حامد محمد غزالی طوسی است. این کتاب در همه اقطار مانند خورشید در نیمروز مشهور و شناخته شده است. و مشتمل بر علوم دینی مهمی است که برای جهان آخرت سودمند می‌باشد و پای بندی به آن‌ها می‌تواند مایه رستگاری و رسیدن به درجات عالی اخروی شود، افزون بر این‌ها از حسن بیان و شیوایی نگارش و زیبایی ترتیب و تدوین برخوردار است، اما چون غزالی به هنگام تالیف آن بر مذهب عامه بوده و هنوز شیعه نشده، و این سعادت را خداوند در اواخر عمر به او ارزانی داشته است - چنان که آن را در کتاب *سرّ العالمین* اظهار کرده و ابن جوزی این امر را گواهی داده است - به همین سبب یکی از ارکان مهم ایمان را فرو گذاشته و آن را در این کتاب ذکر نکرده است.»^۱

همان طور که کتاب *احیاء العلوم* از بدو تالیف، در معرض اظهار نظرهای مختلف اندیشمندان قرار گرفته و آثار وابسته فراوانی از شرح و رد و دفاع و تلخیص و ترجمه پیرامون آن کتاب نوشته شده، کتاب *احیاء العلوم* غزالی نیز بیش از همه از دو شخصیت اثرپذیر بوده، یکی از کتاب *ذم الجاه و الریا* حارث بن اسد محاسبی و دیگر از کتاب *قوت القلوب* ابو طالب مکی است پس از این دو شخصیت، قشیری، جنید، شبلی و بایزید بسطامی مرجع اندیشه‌های اخلاقی - عرفانی غزالی بوده‌اند.

تاثیر غزالی بر اندیشمندان پس از او نیز عمیق و گسترده و قرن هاست که آثار غزالی در اقصا نقاط جهان مورد توجه کاوشگران اخلاق قرار دارد، چون کثرت انتقاداتی که از غزالی شده و آثار فراوانی که به کتاب *احیاء العلوم* وابستگی دارد، دلیل تاثیرگذاری غزالی بر نسل‌های پس از خود است.

احیاء العلوم به چهار بخش و هر بخش ذیل عنوان «ربع» مشتمل بر ده کتاب و در مجموع چهل کتاب اخلاقی را در خود جای داده است.

بخش‌های چهارگانه *احیاء العلوم* عبارتند از: ربع العبادات، ربع العادات، ربع المهلكات، ربع المنجیات.

ربع العبادات مشتمل بر ده کتاب است: کتاب العلم، کتاب قواعد العقائد، کتاب اسرار الطهارة، کتاب اسرار الصلاة، کتاب اسرار الزکاة، کتاب اسرار الصیام، کتاب اسرار الحج، کتاب آداب تلاوة القرآن، کتاب الأذکار والدعوات و کتاب الاوراد فی الاوقات.

ربع العادات شامل ده کتاب است: کتاب آداب الاکل، کتاب آداب النکاح، کتاب احکام الکسب، کتاب الحلال و الحرام، کتاب آداب الصحبة والمعاشرة مع اصناف الخلق، کتاب العزلة، کتاب آداب السفر، کتاب السماع و الوجد، کتاب الامر بالمعروف والنهي عن المنکر و کتاب آداب المعيشة و اخلاق النبوة.

ربع المهلكات عبارتند از: کتاب شرح عجائب القلب، کتاب ریاضة النفس، کتاب آفات الشهوتین (البطن والفرج)، کتاب آفات اللسان، کتاب آفات الغضب والحقد والحسد، کتاب ذم الدنيا، کتاب ذم المال والبخل، کتاب ذم الجاه والریاء، کتاب ذم الکبر والعجب و کتاب ذم الغرور.

ربع المنجیات نیز عبارتند از: کتاب التوبة، کتاب الصبر والشکر، کتاب الخوف والرجاء، کتاب الفقر والزهد، کتاب التوحید و التوکل، کتاب المحبة والشوق والانس والرضا، کتاب النیة والصدق والإخلاص، کتاب المراقبة والمحاسبة، کتاب التفکر و کتاب ذکر الموت.

همان طور که ملاحظه کردید کتاب *احیاء العلوم* از لحاظ استیعاب عناوین اخلاق بندگی، اخلاق فردی، خانوادگی و اجتماعی، از جامعیت خوبی برخوردار است، اگر چه بعضی از عناوین مانند نظم در رفتار و اعتماد به نفس و آینده نگری و... به چشم نمی‌خورد.

در کتاب *احیاء العلوم* از اقوال مشایخ عرفا و آرای اکابر اخلاق بهره برده و برای مستند ساختن نظریات خود، بیش از همه به ذکر آیات متعدد قرآن کریم و پس از آن در حجم قابل توجهی به نقل روایات نبوی و اقوال صحابه روی آورده، اگر چه احادیث ضعیف فراوانی در این کتاب دیده می‌شود که قابل اغماض نیست، چه رسد به اسرائیلیات.

غزالی در مقدمه کتاب، موضوع کتاب خود را «علم المعامله» معرفی می‌کند که در قلمرو خود سه دانش «فقه»، «عرفان عملی» و «اخلاق» را در بر می‌گیرد. از این رو استناد به آیات و روایات و عناصر فقهی و عرفانی در *احیاء العلوم* راه یافته است، اگر چه حضور عناصر فقهی نسبت به دیگر عناصر کم رنگ‌تر است، ولی در کل می‌توان مکتب غزالی را در اخلاق، مکتب تلفیق نامید، اگر چه او در تنقیح و تکمیل اخلاق عرفانی سهم بسزائی داشته است.

ب) محدث فیض کاشانی (ره) و کتاب *المحجّة البيضاء فی احیاء الإحیاء*

محمد بن مرتضی بن شاه محمود ملقب به محسن و مشهور به فیض کاشانی، یکی از بزرگترین علمای امامیه قرن یازدهم که در سال ۱۰۰۶ ق در کاشان به دنیا آمد و تحصیلات علوم دینی را در کاشان فرا گرفت و در بیست سالگی به سال ۱۰۲۶ ق وارد اصفهان شد و علوم ریاضی و... را در همان جا آموخت و از آن جا به شیراز مهاجرت کرد و علم حدیث و فقه را در حد اعلی آموخت و از تقلید بی نیاز شد.

سپس به اصفهان رجوع کرد و به خدمت شیخ بهایی (م ۱۰۳۰ ق) رسید و از ایشان اجازه روایت حدیث گرفت، و در سال ۱۰۲۹ ق عازم حجاز شد.

و نیز در شهر قم به خدمت صدرالمتهلین شیرازی (ملا صدرا) رسید و به مدت هشت سال به ریاضت و مجاهدت مشغول شد و نهایتاً داماد ملا صدرا شد. و همراه با ملا صدرا به مدت دو سال از قم به شیراز رفت.

و در سال ۱۰۶۴ ق از جانب شاه عباس ثانی رسماً به امامت جامع اصفهان منصوب شد - و ایشان قائل به وجوب نماز جمعه در زمان غیبت امام زمان (عج) بود - گروهی دیدند که فیض کاشانی در ادب، حدیث، فقه، فلسفه، عرفان، زهد، عبادت و تحقیق به درجات عالی راه

یافته بر وی حقد و حسد بردند و او را متهم به کفر و الحاد نمودند تا جایی که او آهسته آهسته گوشه عزلت برگزید.

وی در سن هشتاد و چهار سالگی به سال ۱۰۹۱ ق در کاشان بدرود حیات گفت، که ثمره زندگی این محدث نامی تربیت شاگردانی چون ملا محمد سعید قمی، ملا لطف الله شیرازی، ملا عبدالرشید، علم الهدی (فرزندش)، محمد هادی بن مرتضی (فرزند برادرش)، محمد مؤمن بن عبد الغفور (برادر زاده‌اش) و بسیاری دیگر از بزرگان علم و دانش بود.

و نیز دیگر ثمره حیات فیض کاشانی آثار اوست که از اهمیت و ویژگی‌های خاصی برخوردار است - مثل تحول فکری و نقش آن در آثارش - کما این که فارسی نویسن آثار فیض یکی دیگر از آن ویژگی هاست.

و نیز تعدد آثار فیض که بنا به گفته سید نعمت الله جزائری آثار فیض کاشانی به بیش از دویست عنوان می‌رسد. اگر چه مرحوم فیض کاشانی برای نوشته هایش سه فهرست تنظیم کرده است که اولین فهرست را به سال ۱۰۶۷ ق نوشته که در آن چهل و یک اثر خود را ذکر کرده. و دومین فهرست را به سال ۱۰۸۹ ق نوشته و به تفصیل ۱۱۵ تالیف خود را یاد کرده است. و نیز محدث فیض کاشانی در سال ۱۰۹۰ ق سومین فهرست را برای آثارش می‌نگارد و در آن از صد عنوان کتاب و رساله خویش نام می‌برد و در هر موضوعی پنج کتاب و رساله از آثارش را ذکر می‌کند.

ایشان در سومین فهرست خود ضمن «خمسۀ فی الحکمة العلمیة والعملیة و علوم اهل المعرفة و اشعارهم» نام کتاب *المحجّة البيضاء* را این گونه ذکر می‌کند:
 «والمحجّة البيضاء فی إحياء إحياء علوم الدین للغزالی فی العقائد والحکمة الدینیة و تهذیب الأخلاق فی سبعین ألف [بیت] و یغنی من خلاصة ومهماته الحقایق».
 و نیز در اولین و دومین فهرست خود نوشت کتاب *المحجّة البيضاء* را این گونه معرفی کرده است:

«کتاب المحجّة البيضاء فی إحياء الإحياء و هو تهذیب و تنویر لإحياء علوم الدین من مصنّفات ابی حامد الغزالی و تجرید له من البدع والاهواء و تایید لمطالبه الحقّة بأخبار الأئمة الهدی (صلوات الله علیهم) و کلمات شیعتهم العلماء. یشتمل کالإحياء علی أربعین کتاباً فی أربعة أرباع هی العبادات والعتادات والمهلكات و المنجیات و كأنه هو الإحياء الذی صار شیعیاً امامياً و کتبه ککتبه إلا کتاباً واحداً فی اواخر ربع العادات بدّلناه تبديلا و حجه یقرب من حجه و مجموعه سبعون ألف بیت تقریباً.

نسبۀ مسائل الشرعیۀ من العبادات و المعاملات إلى الكتب الفقهیة کنسبۀ علم الیقین إلى کتاب الکلامیة و هذه المصنّفات الخمس بل الأربعة الأخيرة منها جامع لمجامع علوم الدین کله ینبغی لا ینحتاج الطالب معها إلى آخر. وقع الفراغ منه سنۀ ست و أربعین و ألف»^۱
 المحجّة البیضاء توسط فیض کاشانی تلخیص شده که به نام الحقایق است. و این تلخیص در خودنوشت فهرست فیض این گونه معرفی می‌شود:

«کتاب الحقایق فی أسرار الدین، و هو ملخص المحجّة و لبابه مع زیادات متقنة و بیان آتقن و اتیان بما هو أحسن فی سبعة آلاف بیت. و قد صنّف فی سنۀ تسعین و ألف»
 فیض کاشانی کتاب *احیاء العلوم* را بار دیگر با تهذیب و تلخیص خود احیاء کرد و آن را با آرای کلامی و روایات مأثور شیعی تزیین کرد و از اعتقادات مخالفین پیرایست و آن را درخور جامعه شیعی فراهم کرد. بی آن که در ترتیب ابواب و فصول آن تغییری ایجاد کند و یا چیزی را مقدم و مآخر کند و نیز تا حد ممکن در بیان الفاظ و عبارات احیاء العلوم تصرف نکرده است. لذا نام آن *المحجّة البیضاء* فی تهذیب الإحیاء نام گذاشت.
 این کتاب از زمان تالیف تا کنون مورد توجه علما و دانشمندان بوده و بیش از دویست نسخه خطی از کتاب *المحجّة البیضاء* و تلخیص آن تا کنون شناسائی شده است.^۲

آقا حسین خوانساری (ره)

کتاب *منهج السالکین* از تقریرات درس محقق خوانساری است. اگر چه ایشان مؤلف کتاب نیستند و لکن امّهات مباحث توسط ایشان بیان شده و توسط شاگردشان تقریر و بعضاً اضافه شده است. لذا شرح حال مختصری از محقق خوانساری در این مقدمه آورده می‌شود؛

آقا حسین خوانساری رحمه الله (متولد ۱۰۱۶ ق، وفات ۱۰۹۸ ق / ۱۰۹۹ ق)

آقا حسین خوانساری بعد از بلوغ به جهت تحصیل علم و حکمت و معارف، هجرت به اصفهان کرد و در مدرسه خواجه ملک جنب مسجد شیخ لطف الله منزل نمود، و مشغول

۱ - جهت اطلاع بیشتر رجوع کنید به کتاب‌شناسی فیض کاشانی، به اهتمام محسن ناجی نصر آبادی، والذریعة، ج ۲۰، ص ۱۴۵.

۲ - رجوع شود به کتاب‌شناسی فیض کاشانی، ص ۱۷۶ و ۲۶۳.

تحصیل گردید تا به مرتبه‌ای رسید که استاد الكلّ فی الكلّ گردید^۱، و صاحب روضات الجنات او را استاد الكلّ فی الكلّ عند الكلّ نامید.^۲

آقا حسین خوانساری در سال ۱۰۱۶ ق در خوانسار به دنیا آمد و در ۱۰۹۸ ق / ۱۰۹۹ ق در اصفهان چشم از دنیا پوشید، و در تخت فولاد اصفهان نزدیک قبر بابا رکن الدین به خاک سپرده شد. و پس از دفن ایشان، شاه سلیمان صفوی دستور داد که جهت او بقعه‌ای عالی بنا کنند، و گنبد این بقعه از جمله آثار باستانی اصفهان است و تعدادی از خاندان آقا حسین خوانساری در همین بقعه مدفونند که اکنون به نام تکیه آقا حسین خوانساری معروف است. آقا حسین خوانساری از شاگردان معروف میرفندرسکی است و در عصر خود به حکیم و متکلم و محدث و فقیه بزرگ و در نهایت به محقق خوانساری در حوزه‌های علمیه شهرت یافت، و نزد شاه سلیمان صفوی اعتبار بسیاری داشت و بر شخص شاه نفوذ فراوان داشت و پس از میر سید محمد معصوم (م ۱۰۹۵ ق) به شیخ الاسلامی اصفهان منسوب شد.

مقام علمی آقا حسین خوانساری (ره)

او در مکتب اصفهان پرورش یافت و جامع معقول و منقول شد. لذا او را غیر از استاد الكلّ فی الكلّ استاد البشر یا عقل حادی عشر و ذو الجمالین نیز نامیده‌اند. لذا در وصف ایشان نوشته‌اند:

«محقق خوانساری از افاحم و ثقات علمای امامیه اواخر قرن یازدهم هجری، عالم عامل، فقیه کامل، محدث فاضل، اصولی رجالی، حکیم متکلم، محقق مدقق، جامع معقول و منقول. حدت ذهن و کثرت فطانت و سرعت انتقال وی معروف بود، در فهم مطالب عمیق و نکات دقیقه محتاج به فکری زاید نمی شد، مشکلات علمیه عقلیه و نقلیه را با ادنی توجهی حل می‌نمود...»^۳

استاد سید جلال الدین آشتیانی (رحمه الله) در وصف آقا حسین خوانساری (ره) تعاریف و تمجیدهایی دارد که کمتر برای دیگر علما نوشته است:

یکی از اساتید بزرگ عصر صفوی که در علوم ادبی و ریاضیات و فلسفه طبیعی و الهی و علوم شرعی (فقه، اصول، رجال، تفسیر، کلام و حدیث و...) از متبحران دوره اسلامی به شمار

۱ - الفوائد الرضویة، ص ۱۵۴.

۲ - روضات الجنات، ج ۲، ص ۳۴۹.

۳ - ریحانه الأدب، ج ۵، ص ۲۳۹.

می‌رود. آقا حسین از تلامیذ خلیفه سلطان ومیرفندرسکی و مجلسی اول و آخوند ملا حیدر خوانساری است. مشارق الشموس شرح بر دروس حاکی از تبحر وی در علوم نقلیه و نشانه تحقیقات عالییه او مشکلات فقه و اصول است.

یکی از آثار مهم آقا حسین تعلیقات بر کتاب شفای شیخ الرئیس بو علی سینا است، که از حواشی مهم به شمار می‌رود و حواشی آقا حسین بر شفا دلیل احاطه او بر فلسفه مشا و دقت نظر او در عقلیات می‌باشد. در کلمات آقا حسین تلفیقات کلامی کلام تحقیقی مطابق مشرب دوانی و دشتکی و فخری و صاحب حواشی فخریه و امثال اینها به خصوص در الهیات خاصه زیاد وجود دارد.

دلبستگی او به این مطالب اگر چه کم هم باشد او را از میرداماد و خواجه و ملا عبدالرزاق لاهیجی متمیز می‌سازد... و روش فلسفی او همان روش میر فندرسکی است و تمخّص در سبک مشا دارد و به کلمات متأخرین نیز مسلط است و از محقق دوانی و صدر الدین دشتکی و در بسیاری از موارد از غیاث الحکما و فخر الدین سماکی و... مطالب زیاد نقل کرده است... خلاصه کلام آن که... در مسائل مشکل فلسفی شخصی بصیر و دقیق و عمیق است.

تعلیقات آقا حسین بر شفا مزایایی دارد، علاوه بر تحقیق و دقت شخصی، به اقوال متأخرین تسلط دارد. چون شفا را زیاد تدریس کرده است... و اصولاً شخص پر کار و متتبع بوده است... در دوران پیری و کهولت نیز به تألیف و مطالعه و تحقیقات علمی اشتغال داشته است... قلم تحریر آقا حسین روان و خالی از پیچیدگی و اغلاق است. متأخرین اکثر بلکه جلهم از این قبیل آثار بی اطلاعند و به مطالب همان کتاب درسی کفایت نموده‌اند، در این اواخر به کلی تتبع و تحقیق متروک شده است.^۱

حوزه درسی محقق خوانساری (ره)

یکی از ویژگی‌های حیات علمی آقا حسین خوانساری، حوزه درسی وی است. او به مصداق «زکاة العلم نشره» از همان اوان تحصیل معارف اسلامی، به تدریس پرداخت و در مقام تدریس به جایی رسید که در دورانی که اساتید بزرگی چون شیخ بهائی، مقدس اردبیلی، محمد تقی مجلسی و ملا رفیعا نائینی و... در قید حیات بودند یا به تازگی بدرود حیات گفته بودند، به لقت «استاد الكلّ فی الكلّ عند الكلّ» مزین شد.

اگر چه از جزئیات کلاس درس او اطلاعی در دست نیست ولی از قرائن پیدا است که شاگردان زیادی در درس وی شرکت می‌جستند و تلمذ در نزد استاد الكل را از افتخارات خویش می‌شمردند.

نصر آبادی در تذکره خویش تصریح می‌کند که: «عمده فضلا در حاشیه آن قبله عرفا حاضر شده استفاده می‌نمایند»^۱.

و خاتون آبادی در حدائق المؤمنین می‌نویسد:

آقا حسین (قدس الله روحه) که استاد فضلالی عصر خود بود و علمای این عصر و عصر قبل از این عصر، اکثر بی واسطه یا با واسطه شاگرد او بودند، بلکه به شاگردی او تفاخر می‌نمودند»^۲.

حقیر شرح حال مفصلی از آقا حسین خوانساری و آقا جمال خوانساری و دیگر خاندان خوانساری‌ها در کتاب *دانشمندان خوانسار* در ۶۴۰ صفحه تدوین کرده‌ام که از صفحه ۱۰۵ تا ۱۸۴ مفصلاً به معرفی شاگردان و مجازهای آقا حسین خوانساری پرداخته‌ام. از آن جایی که این کتاب تألیف یکی از شاگردان آقا حسین خوانساری است، و با تتبع وسیعی که در کتاب *منهج السالکین* و در بین شاگردان ایشان کردیم به نتیجه قطعی درباره مؤلف این کتاب نرسیدیم. لذا مناسب است که اسامی شاگردان آقا حسین در این جا آورده شود و برای معرفی تفصیلی تک تک شاگردان آقا حسین خوانساری به کتاب *دانشمندان خوانسار* رجوع کنید.

اسامی شاگردان و کسانی که از آقا حسین خوانساری اجازه نقل روایت دارند:

- ۱ . شیخ ابو الحسن فتونی نجفی.
- ۲ . شیخ ابوطالب زاهدی گیلانی.
- ۳ . میر ابو طالب فندرسکی.
- ۴ . سید احمد خوانساری.
- ۵ . میرزا اسماعیل.
- ۶ . مولی اولیاء.
- ۷ . میرزا باقر تبریزی.
- ۸ . شیخ جعفر علی قاضی.

۱ - تذکره نصر آبادی، ص ۱۵۲.

۲ - حدائق المقربین، ص .

- ۹ . آقا جمال خوانساری.
- ۱۰ . میرزا حبیب‌الله اصفهانی.
- ۱۱ . شیخ حرّ عاملی.
- ۱۲ . ملا حسن جیلانی.
- ۱۳ . امیر سید ذوالفقار همدانی.
- ۱۴ . آقا رضی خوانساری.
- ۱۵ . ملا سعید مازندرانی.
- ۱۶ . شاه مراد فراهانی.
- ۱۷ . شاه میرک قائنی.
- ۱۸ . ملا شعیبا خوانساری.
- ۱۹ . محقق شیروانی.
- ۲۰ . صبحی تویسرکانی.
- ۲۱ . طائف گلپایگانی.
- ۲۲ . ظهیرالدین تفرشی.
- ۲۳ . میر عبدالحسین خاتون آبادی.
- ۲۴ . عبدالله اردبیلی.
- ۲۵ . میرزا عبدالله افندی.
- ۲۶ . ملا عبد‌الله مجلسی.
- ۲۷ . شیخ علی اصغر مشهدی.
- ۲۸ . سید علی امامی اصفهانی.
- ۲۹ . میرزا علی خان گلپایگانی.
- ۳۰ . مولی علی رضا تجلی.
- ۳۱ . ملا علی قلی ترکمانی.
- ۳۲ . ملا علی قلی خلخالی.
- ۳۳ . قوسی تبریزی.
- ۳۴ . ملا لطف‌الله شیرازی.
- ۳۵ . خواجه محمد.
- ۳۶ . رفیع‌الدین محمد یزدی.

- ۳۷ . امیر محمد ابراهیم قزوینی.
- ۳۸ . امیر محمد باقر اصفهانی.
- ۳۹ . محمد باقر گیلانی.
- ۴۰ . علامه محمد باقر مجلسی.
- ۴۱ . ملا محمد جعفر سبزواری.
- ۴۲ . محمد زمان بن کلبعلی تبریزی.
- ۴۳ . ملا محمد سراب تنکابنی.
- ۴۴ . ملا محمد شفیع خراسانی.
- ۴۵ . ملا محمد صادق تنکابنی.
- ۴۶ . امیر محمد صالح حسینی قزوینی.
- ۴۷ . امیر محمد صالح خاتون آبادی.
- ۴۸ . محمد طاهر نصر آبادی.
- ۴۹ . ملا محمد علی موگهی شوشتری.
- ۵۰ . ملا محمد هادی سبزواری.
- ۵۱ . شیخ محمد یوسف قزوینی.
- ۵۲ . ملا مسیحا فسوی شیرازی.
- ۵۳ . آخوند مسیحا کاشانی.
- ۵۴ . مشتاق توپسرکانی.
- ۵۵ . میرزا معز الدین موسوی مشهدی.
- ۵۶ . درویش نصیر قزوینی.
- ۵۷ . سید نعمه الله جزائری.
- ۵۸ . وجدان تبریزی.
- ۵۹ . شیخ یوسف بحرانی.
- ۶۰ . علی نقی بهبهانی.
- ۶۱ . سید حسین خلیفه سلطان.
- ۶۲ . خیال اصفهانی.
- ۶۳ . میرزا فخر الدین مشهدی.
- ۶۴ . حکیم محمد حسین مازندرانی.

مؤلف منهج السالکین کیست؟

بعد از تتبع وسیع در سرتاسر کتاب و اینکه شاید مؤلف به دیگر آثار خود ارجاع داده باشد، و یا آن که سوانح عمر خود را بازگو کرده باشد و از آن طریق پی به مؤلف کتاب ببریم ... نتیجه‌ای نداد. ولکن مؤلف کتاب مسلماً از شاگردان آقا حسین خوانساری (م ۱۰۹۸ / ۱۰۹۹ ق) است. و این تألیف از تقریرات درس ایشان است و هنگام تدوین این کتاب آقا حسین خوانساری (ره) در قید حیات بوده‌اند. و مؤلف مطالب استادش را با اضافه کردن بعضی از آیات و روایات و کلام محققین، و نیز مستند کردن مطالب استادش با شعر و ... به تألیف این کتاب پرداخته است و در مقدمه تصریح می‌کند که اگر نقص و عیبی در این کتاب دیده می‌شود از جانب من است نه استادش آقا حسین خوانساری، و ایشان مقدمه کتاب را اینگونه شروع کرده‌اند:

أما بعد، فهذه أسرار خفيّة وحقايق مخفيّة حقّقها لي المولوي الأعظم والحبر المعظم، قدوة العلماء الراسخين، وأسوة الحكماء المتألهين، أستاذ الكلّ في الكلّ، آقا حسين الخوانساري - أدام الله فضله العالي ما تعاقب الأيام والليالي - قد أوضح في بيانها وبالغ في تحقيقها، وزدت فيها ما يناسبها من الآيات والأحاديث وكلام المحققين نظماً ونثراً، وفيها تحقيق أمر النبوة والإمامة والولاية وأحوالها، وحال من يتّصف بها ويليق بالإمامة عليها؛ وإن كان في بيانها نقص كان من جانبي وكدره قلبي وعدم استعدادي، وإلاّ واهب العلم الذي هو بالأوفق المبين ما هو على الغيب بضنين، ولأنّ إضاءة الشمس وانكشافها كانت مساوية للقمر والأحجار فيكتسب منها كلّ واحدٍ بقدر الاستعداد. فأسأل الله أن تصفى قلوبنا بالعرفان، ووفقنا للقيام بعبادته وطلب مرضاته، وعليه توكلنا فهو حسبنا ونعم الوكيل. وسمّيتها منهج السالکين ووسيلة نجاة الهالکين.

قد أنار العشق للعشاق لمنهاج الهدى

سالک راه حقیقت عشق ایلر اقتدا

حقیر با تتبع فراوان در کتب تراجم و شرح حال نگاری و فهرس نسخ خطی و کتب کتاب‌شناسی، بیش از شصت تن از شاگردان آقا حسین خوانساری را شناسایی کرده و شرح حال مفصلی از آنان در کتاب *دانشمندان خوانسار*، ص ۱۰۵ تا ۱۸۵ آورده‌ام که برای اطلاع

بیشتر به آن کتاب مراجعه شود، و در عین حال با مطالعه آثار و شرح حال این شاگردان، چند تن از آنان در مظان این که مؤلف این کتاب باشند به دست آمد، اما به جهت این که به اطمینان کامل نرسیدیم از ذکر آن افراد خود داری می‌کنیم تا ذهن خوانندگان در جهت شناسایی مؤلف جهت دار نشود، لذا از تمام خوانندگان گرامی انتظار داریم که با خواندن کتاب و نیز از سبک و سیاق کتاب و... اگر از مؤلف این کتاب اطلاعی به دست آوردند، حقیر را مطلع سازند، چرا که هویت اصلی هر کتابی به مؤلف آن بستگی دارد، اگر چه تقریرات درس محقق خوانساری باشد.

منهج السالکین در آیینه آثار

برای اولین بار کتاب *منهج السالکین* در فهرست قدیمی رحلی کتابخانه آستان قدس رضوی، که به سال ۱۳۴۴ شمسی به چاپ رسیده است بدین نحو معرفی شده است:

«*منهج السالکین*، عربی، مؤلف از مردان نیمه دوم سده یازدهم ه.ق. این کتاب در آداب سلوک است بر نهج استدلالی و بر مبانی عقلی و سمعی. داستان سلامان و آبسال و قصیده عینیّه شیخ الرئیس و گفتار عارفان محقق را در آن مندرج داشته. و قصیده در نعت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از فیاض لاهیجانی و به ابیاتی از مثنوی مولوی و نان و حلواوی شیخ بهائی استیناس نموده.

مؤلف در دیباچه آورده است: مطالب این کتاب افادات آقا حسین خوانساری است که برای من تقریر و تحقیق فرموده و من نیز آیات و احادیث و گفتار منثور و منظوم به مناسبت مقام آوردم.

مؤلف، این کتاب را در هنگام حیات خوانساری تألیف داشته، مطالب کتاب را بیشتر به عربی نگاشته. در دیباچه پس از شمه‌ای در تعریف درویشی و وجود عشق در موجودات و ربط میان علت و معلولات و محبت میان فرع و اصل و بودن راهروان راه حقیقت در هر ملّتی بنامی و تشابه میان صوفی و صوفی نمایان آورده: «حقیقت درویشی سه چیز است: اول متابعت شریعت، دوم سلوک طریقت، سوم طلب حقیقت و به این جهت این کتاب را مشتمل به سه قسم گردانیدیم: قسم اول در بیان احکام شریعت است و چون آن بسیار مبسوط است و این مختصر گنجایش آن ندارد پس شروع در قسم ثانی نمائیم و این در بیان سلوک طریقت است و در این مقدمه و چند باب می‌باشد».

کاتب جمله عناوین ابواب را ننوشته است. عناوین ابواب موجود و جمله اول مطالب...: اعلم أن أشرف الممكنات والغاية في تحريك الأفلاك وازدواج العناصر وتوليد المواليد هي الانسان. الباب الاول في مراتب السلوك، الباب الثاني في صفات السالك، الباب الثالث في مذمة الدنيا و أهلها... اعلم أن طلب العلم واجب بالعقل والنقل لا سيما على السالك الخ... عن النبي صلى الله عليه قال طلب العلم فريضة الخ... في بيان كون الانسان عالم الأصغر الخ... قصة سلامان و ايسال الخ... مروى عن الشيخ المحقق نجم الدين الكبرى الخ... منقول عن الشيخ المذكور قدس سره الطريق الى الله تعالى الخ... في الصمت... العزلة سبب للصمت... في الجوع... روى عن أبي عبدالله عليه السلام أنه قال لو قرء رجل ليلة ثلث وعشرين من شهر رمضان الخ... اعلم أن السلوك أنما يتم بأربعة أمور الخ... الانسان باعتبار علمه بسوانح الايام وما سيوجد من الحوادث وما يرد عليه من الأمور الآتية الخ.

آغاز: يا من اشرق بنوره قلوب السالكين.

انجام: فالمقصود التعظيم بهما قطعاً ولو جاز أن يكون معظماً لله بفعله وهو غافل اللهم لا تجعلنا من الغافلين بأسرار الصلوة وصاحبها.

سال تحرير: ۱۲۶۱ هـ. ق خط نستعلیق وشکسته ۱۸ سطرى. دارای ۸۳ برگ. اندازه ۲۲ در

۱۲، وقفى محمود فرخ در فروردین ۱۳۲۸ (۷۱۷۹)». ^۱

سپس این کتاب توسط شیخ آقا بزرگ تهرانی در ذریعه این گونه معرفی شده است:

«منهج السالكين ووسيلة نجاه الهالكين لبعض تلاميذ آقا حسين خوانسارى عربى، وفى هامشه ديباجه فارسىة وفى خلال الرسالة أيضاً عبارات بالنظم الفارسى وثره، مرتب على سبعة أبواب فى مراتب السلوك وصفات السالك وذم الدنيا وفضل العلم وأسرار العبادات. أوله: (يا من اشرق بنوره قلوب السالكين و شرح بحكمته صدور العارفين...). نسخه منه فى (دانشگاه ۳۸۰۸) كتبت بقلم نستعلیق فى القرن الثالث عشر أو الرابع عشر فى ۲۵۶ ورقه، ونسخه أخرى غير مؤرخه فى (المجلس ۲۱۲۱)». ^۲

و در نهایت احمد منزوی فرزند آقا بزرگ تهرانی این کتاب را در فهرست نسخه‌های خطی

فارسى، ج ۲، ص ۱۴۲۹ چنین معرفی می‌کند:

«منهج السالكين ووسيلة نجات الهالكين، از یکی از شاگردان آقا حسين خوانسارى که در سده دوازدهم می‌زیسته. به عربى با ديباجه‌ای به فارسى و با عبارتهای منظوم و منثور

۱ - فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی، ج ۶ ص ۴۷۷، چاپ رحلی قدیم، چاپ ۱۳۴۴ ش.

۲ - الذریعه، ج ۲۳، ص ۱۹۰، اولین چاپ این جلد کتاب الذریعه به سال ۱۳۹۴ ق = ۱۳۵۴ ش است.

فارسی در میانه رساله. در هفت باب از مراتب سلوک و صفات سالک و مذمت دنیا و فضل دانش و اسرار عبادات. آغاز: (یا من اشرق بنوره قلوب السالکین و شرح بحکمته صدور العارفین...)

۱۳۶۹۶، دانشگاه ۳۸۰۸: نستعلیق سده ۱۳ - ۱۴، آغاز برابر نمونه، ۲۵۶ گ، ۱۱ س، (ف). دانشگاه ۱۲: ۲۷۸۹).

۱۳۶۹۷، مجلس ۲۱۲۱: تحریری، تاریخ یاد نشده، (ف. مجلس: ۹۹) ۱.

و نیز منزوی در فهرستواره کتاب‌های فارسی به نحو دیگری معرفی کرده است، بنگرید: «*منهج السالکین و وسیله نجاه الهالکین*، ناشناسی از شاگردان آقا حسین خوانساری (سده ۱۲ ق / ۱۷ م) به عربی با دیباچه‌ای به فارسی، و در میانه نیز عبارت‌ها و سروده‌های فارسی را آورده، در ۷ «باب»، ۱. مراتب سلوک؛ ۲. صفات سالک؛ ۳. مذمت دنیا؛ ۴. فضل علم؛ ۵. وجوب کسب و فضل آن؛ ۶. احوال انسان؛ ۷. اسرار عبادات.

آغاز: (یا من اشرق بنوره قلوب السالکین و شرح بحکمته صدور العارفین). ذریعه ۲۳ / ۱۹۰. اشکوری ۴ / ۳۳۰: همدان، آخوند، مقصود ۴۹»^۲.

آن چه گذشت مطالبی بود که در کتب کتاب‌شناسی درباره منهج السالکین نوشته شده و غیر از نوشته‌های یاد شده چیز دیگری نیافتیم.

نا گفته نماند که چندین کتاب به نام منهج السالکین در اصول دین و تفسیر و اخلاق و... در ذریعه، ج ۳، ص ۱۸۸ به بعد معرفی شده است که هیچ ارتباطی با موضوع سیر و سلوک ندارد، و تنها یک منهج السالکین از سید صدرالدین کاشف دزفولی (م ۱۲۵۸ ق) که فارسی است و در سیر و سلوک است و تا کنون منتشر نشده است که در ذریعه این گونه معرفی شده است:

«*منهج السالکین*، لیسید صدر الدین محمد باقر، کاشف الدزفولی المذکور فی (۹: ۸۹۷). فارسی فی السیر والسلوک، مرتب علی بابین وخاتمه الباب الأول فی بیان حقیقه السلوک والزهد والزاهد فی فصلین، والباب الثانی طریق السلوک واسبابه وشروطه فی فصلین، والخاتمه فی آداب الداعی وشروط الدعوه، فرغ منها فی یوم الأربعاء (۲۸ شوال ۱۲۱۱). أوله: (بهترین سببی از اسباب که سالکان پیدای حقیقت را و سیاحان بحر طریقت را...). نسخه مذهبه منه فی

۱ - فهرست نسخه‌های خطی فارسی، احمد منزوی، ج ۲، ص ۱۴۲۹، چاپ مؤسسه فرهنگی منطقه‌ای، تهران، ۱۳۴۹ ش.

۲ - فهرستواره کتاب‌های فارسی، احمد منزوی، ج ۸، ص ۱۰۰۰.

(الرضویة ۲۷۹ اخلاق ۶۲۴۹) کتبه إسماعیل بن المیرزا معصوم التفرشی بقلم النستعلیق الجید فی (ع / ۱ / ۱۲۷۶) فی ۱۷۹ ورقه. ومّر للمؤلف «قاسم الجبارین ۱۷: ۴»^۱.

واحمد منزوی در فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۲، ص ۱۴۲۸ و ۱۴۲۹ و فهرستواره کتاب‌های فارسی، ص ۳۰ آن را معرفی و چند نسخه خطی آن را یاد کرده است:

«منهج (منهاج) السالکین، هدایت السالکین، سید صدر الدین کاشف دزفولی، محمد باقر (۱۱۷۴ / ۱۲۵۸ / ق / ۱۷۶۱ - ۱۸۴۲ م). (رجوع شود به قاصم الجبارین). در سیر و سلوک، در ۲ «باب» و ۱ «خاتمه» و هر باب در چند «فصل»: باب ۱. بیان حقیقت سلوک و زهد و زاهد، (۲ فصل)، ۲. راه سلوک و اسباب و شرایط آن، (۲ فصل). خاتمه در آداب داعی و شروط دعوت، در چهارشنبه ۲۸ شوال ۱۲۱۱ ق به انجام رسانده است.

آغاز (بهترین سببی از اسباب که سالکان بیدای حقیقت را و سیاحان، بحر طریقت را (رجوع شود به هدایت السالکین، ص ۱۰۸۹).

نسخه‌ها ۲ / ۱۴۴۸ (۱ نسخه)؛ ذریعه ۹ / ۸۹۷ «دیوان کاشف دزفولی»، همانجا ۲۳ / ۱۸۹ «منهج...»؛ اعلام ۳ / ۱۸۷۷ کاشف؛ طبقات ۲ / ۶۷۷ صدر الدین.

آستان قدس ۶ / ۴۷۵، همانجا، نامگو ۱ / ۵۶۶؛ بابل، خاتم الانبیا ۱۸۵ «هدایت السالکین یا منهج السالکین»^۲.

نسخه‌های خطی منهج السالکین

از کتاب منهج السالکین هشت نسخه خطی در کتاب خانه‌های مختلف ایران شناسائی کرده‌ایم که از اکثر آنان در این تصحیح استفاده شده است، اگر چه اساس کار تصحیح بر روی نسخه خطی کتاب خانه مجلس به ش ۲۱۲۱ قرار گرفت، به دلیل اینکه از تمام نسخه‌ها کامل‌تر و بعضاً اصح‌تر بود، و در پاورقی هر جا به نسخه اصل اشاره شده است مراد نسخه کتاب خانه مجلس شوری به ش ۲۱۲۱ است.

اینک تک تک نسخه‌ها معرفی می‌شوند:

۱. کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۲۱۲۱، شامل ۵۷۴ صفحه، و در فهرست مجلس، ج ۶، ص ۹۹ چنین معرفی شده:

۱ - الذریعه، ج ۲۳، ص ۱۸۹. لازم به یادآوری است که این کتاب نیز در حال تحقیق و تصحیح است که به چاپ خواهد رسید. إن شاء الله.

۲ - فهرستواره کتاب‌های فارسی، احمد منزوی، ج ۸، ص ۱۰۰۰ و ۱۰۰۱.

«منهج السالکین، مؤلف نام خود را نیاورده و پیداست که از شاگردان آقا حسن خوانساری بوده، و در قرن دوازده میزیسته است.

آغاز: یا من اشرق بنوره.

پایان: ... عفوک ثمّ انی مسلم، ۱۷ در ۱۱ سانتی متر، ۵۷۳ صحیفه، هر صحیفه ۱۵ سطر، به خط تحریری، عناوین به سرخی: کاغذ اصفهانی شکری آهار مهره دار، خط و کاغذ قرن ۱۲، جلد میش عنابی».

۲. کتاب خانه مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار سابق)، ش ۵۸۱۰، شامل ۱۳۰ برگ، از ابتدای کتاب ناقص است (در حد نیمی از کتاب). آغاز کتاب از اوائل المقصد الثالث فی أسرار الزکاة شروع می‌شود. و این نسخه تا پایان کتاب را شامل می‌شود. در فهرست مدرسه سپهسالار (شهید مطهری)، ج ۳، ص ۷۹ چنین ثبت شده است:

«اخلاق، گویا از آقا حسین خوانساری است، چنان که در رویه نسخه زیر دیده می‌شود، در پایان کتاب عنوان الباب العاشر فی ذکر مناجات العارفين هست. و در آن از فیض کاشانی نقل شده است، ش ۵۸۱۰، نسخ محمد علی کرمانشاهی در مدرسه سپهسالار محمد خان قاجار، در رجب ۱۳۰۰ ق، عنوان‌ها سیاه درشت، آغاز افتاده و چنین است: وأنها لم جعلت مبانی الاسلام، انجام: وجمیل عفوک ثمّ الیّ [که صحیح آن ائی است] مسلم، کاغذ فرنگی، جلد تیماج سرخ مقوایی، ۱۳۰ برگ».

۳. کتاب خانه آیة الله مرعشی نجفی، ش ۱۵۲۸، شامل ۷۸ برگ این نسخه از اول کتاب شروع می‌شود تا نیمه‌های کتاب را دارد، و در فهرست مرعشی، ج ۴، ص ۳۲۰ و ۳۲۱ چنین معرفی شده است:

«منهج السالکین و وسیله نجاه الیهالکین، از؟ مباحث عرفانی و فلسفی را در کیفیت سلوک راه حق به کار آید، با قطعه‌هایی از نثر و شعر فارسی در هفت باب از گفته‌های استادش آقا حسین خوانساری (۱۰۹۹ ق) گرد آورده است، عناوین ابواب چنین است: الباب الأول فی مراتب السلوک، الباب الثانی فی صفات السالک، الباب الثالث فی مقدمه الدنيا و أهلها، الباب الرابع فی فضل العلم ووجوبه، الباب الخامس فی وجوب الکسب وفضله، الباب السادس فی أحوال الإنسان، الباب السابع فی أسرار العبادات. آغاز: یا من اشرق بنوره قلوب السالکین... ، انجام: واما الركوع والسجود فالمقصود التعظیم بهما، ولو جاز أن یكون معظماً لله یفعله وهو غافل. نستعلیق مولی الحسینی، سلخ ماه رمضان ۱۲۶۰ [۱۲۷۰ صحیح است] عناوین سنگرف

پانوشته نیست. در حاشیه مطالب متفرقه بسیاری با خط‌های گوناگون نوشته شده است. جلد مقوائی، عطف تیماج مشکلی، ۷۸ برگ، ۱۸ سطری.»

۴. کتاب خانه غرب مدرسه آخوند همدان، ش ۱۲۵۹، از اوّل کتاب تا نیمه‌های کتاب را داراست، و در فهرست کتاب خانه غرب همدان، ص ۴۹ چنین معرفی شده:

«منهج السالکین ووسيلة نجاه الهالکین، از یکی از شاگردان آقا حسین خوانساری، در آن آمده است: این اسرار خفیه و حقایق مخفیه‌ای است که استاد کل آقا حسین خوانساری برای من تحقیق و بیان نموده و در تحقیق از امر نبوت و امامت و ولایت، و حقیقت درویشی است (منزوی ۲: ۱۴۲۹) به عربی و فارسی است. آغاز: یا من اشرف [که صحیح آن اشرق است] بنوره... ، انجام:... ولو جاز أن یکون معظماً لا یفعله [معظماً لله یفعله صحیح است] وهو غافل.»

۵. کتاب خانه ملی تهران، مجموعه ش ۲۹۰۹ / ف، اولین رساله آن مجموعه، در فهرست کتاب خانه ملی تهران، ج ۶، ص ۶۲۳ - ۶۲۴ چنین معرفی شده:

«منهج السالکین ووسيلة نجات الهالکین، زمان تألیف قرن دوازدهم، نویسنده می‌گوید: اصل این کتاب اسرار خفیه و حقایق مخفیه‌ای است که آقا حسین خوانساری نوشته و من به آن دست یافتم و در آن زیاداتی آوردم [صحیح آن است که مؤلف شاگرد آقا حسین خوانساری بوده و این کتاب تقریرات درس استادش آقا حسین خوانساری است. ولكن به مطالب استاد زیاداتی از حدیث و آیه و شعر و... اضافه کرده است]... آغاز: یا من اشرق بنوره قلوب السالکین... ، پایان: تمت الرسالة بحسن العاقبة والعافية، والحمد لله الذی منّ علینا بالاتمام بید الأحقر الأفقر إلى رحمة ربه الغنی ابن محمد علی الصالح، التماس دعا در مکان استجابت دارم، والسلام علی من اتبع الهدا، جای آن [رساله] در این مجموعه از برگ یک تا ۱۷۶ می‌باشد.»

۶. کتاب خانه مرکزی دانشگاه تهران، ش ۳۸۰۸، شامل ۲۵۶ برگ، ودر فهرست دانشگاه، ج ۱۲، ص ۲۷۸۹ چنین معرفی شده:

«منهج السالکین ووسيلة نجاه الهالکین، از یکی از شاگردان آقا حسین خوانساری، به عربی با دیباچه‌ای به فارسی پس از خطبه و پیش از مقدمه و با عبارات منظوم و منثور فارسی در میانه رساله. در آن از حکیم مؤمن تنکابنی سخن آمده و از داستان سلمان و آبسال طوسی و سخنی از نجم الدین کبری درباره شریعت و طریقت و حقیقت، و اقرب الطرق الی الله و قصیده عینیه ابن سینا و رموز حمزه و قصیده فیاض در ستایش پیامبر (ص) واز غزالی درباره اسرار نماز

یاد شده است. ... ، نستعلیق سده ۱۳ و ۱۴، ۱۱ سطری، ۲۵۶ برگ، کاغذ فرنگی، جلد تیماج عنابی ضربی مقوایی».

۷. کتاب خانه آستان قدس رضوی، ش ۷۱۷۹، شامل ۸۳ برگ، این نسخه خطی مفصلاً در یک صفحه رحلی در فهرست قدیمی رحلی آستان قدس رضوی، ج ۶ ص ۴۷۷ به تفصیل معرفی شده که در بخش منهج السالکین در آئینه آثار ذکر کردیم، این نسخه از اول و آخرش ناقص است. واولش از اوائل المقصد الثانی فی ذکر اسرار الصلاة شروع می‌شود. ولکن در فهرست الفبائی آستان قدس رضوی، ص ۵۶۶ نوشته شده: «منهج السالکین، عربی، اخلاق و عرفان، در سده ۱۱ تألیف شده، ش ۷۱۷۹، شکسته نستعلیق، ۱۲۶۱ ق».

و در شناسنامه نسخه خطی کتاب خانه آستان قدس رضوی که بر روی نسخه خطی الصاق شده، این گونه معرفی شده:

«منهج السالکین، مؤلف؟، شکسته نستعلیق، ۱۸ سطری، تحریر ۱۲۶۱، عدد اوراق: ۸۳، جزء کتب اخلاق، ش ۲۸۰، آستان قدس رضوی ش ۷۱۷۹، واقف: محمود فرخ، تاریخ وقف فروردین ۱۳۲۸».

و پایان نسخه چنین است:

«ولو جاز أن يكون معظماً لله يفعلهُ وهو غافل، اللهم لا تجعلنا من الغافلین باسرار الصلاة وصاحبها، والحمد لله رب العالمین وصلى الله على محمد وآله الطاهرين».

و در هامش نسخه نوشته شده: «فرغ من تحریر هذه المسطورات فی سنة ۱۲۶۱، اللهم اغفر قاریه ومن وعا علينا».

۸. کتاب خانه مجلس شوری اسلامی، مجموعه ش ۱۴۴۹۶، اولین رساله آن مجموعه است و شامل ۷۳ برگ، و این نسخه خطی تا وسط کتاب را دارد، و در فهرست مجلس شوری اسلامی، ج ۳۸، ص ۶۵۱ - ۶۵۲ چنین معرفی شده:

«مجموعه ۱۴۴۹۶، منهج السالکین ووسيلة نجاه الهالکین (پ ۱ - ۷۳ ر) عرفان - عربی، از؟، مباحثی عرفانی و فلسفی است که مؤلف از گفته‌های استادش آقا حسین خوانساری (۱۰۹۹ ق) جمع آوری و در هفت باب تنظیم نموده است. نستعلیق مولا الحسینی، ۲۰ ذی قعدة ۱۲۰۶، عناوین و نشانی‌ها شنگرف و مشکى، کل مجموعه ۷۸ برگ».

تصحیح کتاب منهج السالکین

۱. کتاب منهج السالکین شامل هشت نسخه خطی بود که مفصلاً گزارش آن گذشت. در این تصحیح از پنج نسخه خطی بهره برده‌ایم. بهترین نسخه خطی که اساس تصحیح بر محور آن قرار داشت، نسخه خطی کتاب خانه مجلس به شماره ۲۱۲۱ که شامل ۵۷۴ صفحه که کامل‌ترین نسخه‌ها به شمار می‌رفت، و هر جا در پاورقی نوشته شده که در نسخه اصلی چنین بود، مراد نسخه خطی کتاب خانه مجلس شوری به ش ۲۱۲۱ است. بعد از نسخه مجلس، نسخه خطی کتاب خانه مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار سابق) از اهمیت بیشتری برخوردار است، اگرچه نیمه اول کتاب را ندارد، ولیکن به جهت داشتن نیمه دوم کتاب، مکمل نسخه خطی کتاب خانه مجلس شوری به حساب می‌آید، زیرا بقیه نسخه‌ها (هر شش نسخه خطی دیگر) شامل نیمه نخست کتاب هستند.

۲. این کتاب با پنج نسخه خطی کتاب خانه‌های مجلس شوری و مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار) و کتاب خانه آیة الله مرعشی نجفی و کتاب خانه ملی تهران و آستان قدس رضوی مقابله و بعضاً مراجعه شده است. و به جهت مشکلات خاص این کتاب، در تصحیح آن به منابع اولیه متن رجوع شده است و به جهت تفاوت‌های بسیاری که در نقل قول‌ها و احادیث وجود داشت، از روش تلفیق نسخه‌های خطی و منابع اولیه متن کتاب بهره گرفته‌ایم.

۳. دو کتاب *احیاء العلوم غزالی و محجّه البیضاء محدّث فیض کاشانی* از منابع مهم و اولیه این تألیف به شمار می‌روند، لذا تمام مطالب این کتاب با آن دو منبع مقابله شد و در پاورقی‌ها نیز متذکر شده‌ایم.

۴. تخریح آیات و روایات و آرای عرفا و نقل قول‌ها و اشعار ... و هر آنچه که احتیاج به تخریح داشت، از دیگر کارهای تصحیح این کتاب بود. که با مراجعه به بیش از دویست منبع کتاب‌های حدیثی و اخلاقی و عرفانی و ... به غنای این اثر افزوده شده است.

۵. حواشی (منه) مؤلف نیز در پاورقی‌ها آورده شد. کما اینکه کاتب و ناسخ نسخه خطی مجلس با مباحث عرفانی میانه خوبی نداشته است، بعضاً تعلیقه‌هایی بر کتاب نوشته است، که به جهت بی‌طرفی در این موضوع تمام تعلیقات ناسخ را به عنوان اینک: (فی هامش المحطوطه کذا) نقل کرده‌ایم.

۶ در تقویم النص این کتاب بیشتر به منابع اولیه کتاب اعتماد شده است، و در بسیاری از جاها که از حیث ادبیات عرب غلط فاحش بود، متن کتاب را تصحیح و بعضاً در پاورقی متذکر شده‌ایم.